

روش‌های تبلیغی امام رضا(ع)

عنایت‌الله شریفی،^۱ محمدحسین خوانین‌زاده،^۲ حسام‌الدین خلعتبری‌لیماکی^۳

چکیده

بی‌تردید امام رضا(ع) به عنوان امام و پیشوای معصوم از روش‌هایی در تبلیغ و هدایت افراد جامعه استفاده کرده است. این پژوهش در صدد است به روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که امام رضا(ع) با چه روش‌هایی توانسته است آیین اسلام و مذهب شیعه را تبلیغ کند.

نگارنده تلاش کرده است که روش‌های تبلیغی امام رضا(ع) را بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری مورد بررسی قرار دهد. منظور از روش‌های شناختی، روش‌هایی است که امام رضا(ع) می‌خواهد آگاهی مردم را درباره مبانی نظری و باورها تقویت کند که مهم‌ترین این روش‌ها تبیین مبانی و جهان‌بینی اسلام، کاربست برهان و استدلال، خردورزی و عقل‌گرایی است. مراد از روش‌های عاطفی، روش‌هایی است که مبلغ می‌خواهد با کاربست آن‌ها از عواطف و گرایش‌های روحی و روانی افراد برای هدایت افراد استفاده کند که مهم‌ترین آن‌ها در سیره تبلیغی امام رضا(ع)، محبت و مهرورزی، تکریم شخصیت، موعظه، مخاطب‌شناسی و فرصت‌شناسی است.

روش‌های رفتاری، روش‌هایی هستند که مبلغ می‌خواهد با استفاده از این روش‌ها، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در وی ایجاد و تثبیت کند. مهم‌ترین روش‌های تبلیغی رفتاری در سیره امام رضا(ع) عبارتند از: ارائه الگو، خطابه، مجادله به احسن، امر به معروف و نهی از منکر، تقیه، سفر به مراکز علمی و تربیت شاگردان و ...

کلیدواژه‌ها: امام رضا(ع)، روش‌های تبلیغ امام رضا(ع)، تبلیغ، اسلام و تبلیغ دینی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۱

enayat.sharifi@yahoo.com
khavaninzadeh@atu.ac.ir
khalat.hesam@gmail.com

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی
۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی
۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

امام رضا^(ع) در عصری زندگی می‌کرد که با مشکلاتی چون توسعه و گسترش کشور اسلامی، شکل‌گیری نهضت ترجمه، پیدایش فرقه‌های ضاله و گروه‌های الحادی و... رو به رو بود. بی‌تردید آن حضرت با روش‌های دقیق و حساب‌شده‌ای توانسته است، آیین اسلام و مذهب حقه شیعه را تبلیغ کند و به شبهات پاسخ‌گو باشد و جلوی انحرافات را بگیرد. از این رو، این پژوهش درصدد است به روش توصیفی و تحلیلی در این باره به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. روش‌های شناختی امام رضا^(ع) در تبلیغ و هدایت افراد کدام‌اند؟

۲. روش‌های عاطفی در سیره تبلیغی رضوی کدام‌اند؟

۳. روش‌های رفتاری در سیره تبلیغی امام رضا^(ع) کدام‌اند؟

به نظر می‌رسد قبل از پاسخ‌گویی به سؤالات یاد شده، مناسب است با مفهوم واژه‌های تبلیغ، تبلیغ دینی و روش آشنا شویم.

مفهوم‌شناسی واژه‌های تبلیغ، تبلیغ دینی و روش

واژه تبلیغ از ماده «بَلَّغَ» در لغت به معنای؛ رساندن، شناساندن و آگاه کردن مردم به یک پیام و معتقد کردن و متمایل کردن و جلب کردن مردم به یک پیام به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۴۳) و در اصطلاح، تبلیغ را گوناگون تعریف کرده‌اند.

تبلیغ در بهترین و اصولی‌ترین شکل آن یک فعالیت آموزشی است که به منظور نشر دانش و آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نشر ارزش و سجایای اخلاقی صورت می‌گیرد (زورق، ۱۳۹۰: ۱۸).

در تعریفی دیگر تبلیغ چنین بیان شده: «نوعی تلاش کم و بیش منظم و جامع برای تحت نفوذ و تاثیر قرار دادن عقاید، نگرش‌ها یا اعمال دیگران با استعانت از نمادها، کلمات، اشارات، موسیقی، فیلم و...» (افتخاری، ۱۳۷۷: ۲۵).

تبلیغ دینی

تبلیغ دینی، اصطلاحی است به معنای رساندن پیام الهی. در این نوع تبلیغ، مبلغ تنها باید از روش‌های مناسب، شایسته و مشروع استفاده کند. این امر، مستلزم آشنایی مبلغ با روش‌های مناسب تبلیغ است.

روش

روش، مجموعه اموری است که انسان را برای رسیدن به هدف و انجام کار مورد نظر به صورت روشمند کمک می‌کند. روش مفهوم راهبردی است که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل و چگونگی پیمودن راه را برای رسیدن به هدف‌های مدنظر معلوم می‌کند. اما روش تربیتی به معنای شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی به منظور تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می‌برد.

انواع روش‌های تبلیغی

تبلیغ روش‌های مختلفی دارد ولی به نظر می‌رسد که جامع‌ترین روش‌های تبلیغی را براساس آیه مبارکه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن (النحل، ۱۲۵)، می‌توان به سه حیطة شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد زیرا که ۱. حکمت به بُعد شناختی اشاره دارد، موعظه با عواطف انسان سروکار دارد و جدال احسن به ساحت رفتاری انسان نظر دارد. ۲. ترتیب تقسیم مختار منطقی است؛ سیره پیامبران و اهل بیت(ع) این‌گونه بوده که در آغاز دعوت به توحید می‌کردند که جنبه شناختی دارد و بعد به مسائل دیگر که جنبه عاطفی یا رفتاری داشته، می‌پرداختند. از نظر تربیتی باید اول شناخت حاصل شود؛ زیرا شناخت منجر به گرایش می‌شود و گرایش تبدیل به رفتار. امام رضا(ع) نیز برای انجام این رسالت، به فرموده قرآن «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةَ وَجَادَهُمْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ» دارای سه روش تبلیغی بینشی، عاطفی و رفتاری بوده است.

۱. روش‌های شناختی

منظور از روش‌های شناختی، روش‌هایی است که امام^(ع) می‌خواهد آگاهی‌ها و اطلاعات لازم برای مسائل دینی به مردم بدهد تا آنان با آگاهی و شناخت بیشتری به دین و مذهب گرایش پیدا کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

تبیین مبانی و جهان‌بینی اسلامی

تبلیغ دینی زمانی در جامعه پایدار خواهد بود که بنیان‌های آن در روح و جان مخاطبان ریشه دوانیده باشد در غیر این صورت آموزش آموزه‌های دینی، سطحی و ناپایدار خواهد بود.

به همین دلیل امام علی بن موسی الرضا^(ع) همانند سایر پیشوایان معصوم^(ع) اهمیت زیادی به آموزش مبانی و جهان‌بینی اسلامی قائل بودند و همواره کوشش می‌کردند که در فرصت‌های مقتضی باورها و جهان‌بینی اسلامی به‌ویژه باور به توحید و یکتاپرستی را به افراد جامعه آموزش دهند.

چنان‌چه وقتی به نیشابور رسیدند و جمعیتی چند هزار نفری حضور داشتند، حدیث قدسی سلسله‌الذهب را که سخن خداست، چنین انشا کردند:

«لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن عذابی، قال فلماً مرّت الراحلة نادانا بشرطها و أنا من شرطها»؛ کلمه لا اله الا الله، پناهگاه و دژ من است، پس هرکه در آن وارد شود از عذاب من در امان است راوی می‌افزاید چون کجاوه حضرت به راه افتاد، امام^(ع) با صدای بلند فرمود: به شروط کلمه لا اله الا الله و من از شروط آن هستم (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۵-۲۴).

امام رضا^(ع) در این حدیث، توحید و یکتاپرستی را که در واقع همه چیز زندگی انسان بدان و برآن استوار است، با امامت و ولایت پیوند داده و خواسته است با ذکر سلسله سند

روایت، امت را به پیوستگی مسئله رهبری با مبدأ اعلی آگاه کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۲۰۳).

بزنطی نیز نقل می‌کند: مردی از ماوراءالنهر بلخ خدمت امام رضا(ع) آمد و گفت: از شما سؤالی دارم اگر جواب دهید به امامت‌تان معتقد خواهم شد. حضرت فرمود: از هر چه می‌خواهی بپرس.

گفت: مرا از خدایت خبر بده، در کجا بوده و چطور بوده و بر چه چیز تکیه کرده است؟ امام رضا(ع) فرمود: «انَّ اللَّهَ آيِنَ الْاَيِّنِ بِالْاَيِّنِ وَ كَيْفَ الْكَيْفِ بِالْاَيِّنِ وَ كَانِ اعْتِمَادُهُ عَلٰى قَدْرَتِهِ»؛ خداوند به وجود آوردنده مکان است بی آن‌که مکانی داشته باشد و به وجود آورنده کیفیت است بی آن‌که کیفیتی داشته باشد و اعتمادش بر قدرتش باشد، (خدا لامکان است، مکان از عوارض جسم است، خدا جسم نیست، کیفیت، مخلوق خداست، لازمه‌اش محدود بودن است، خدا بی‌انتهاست، خدا بر قدرت خود ایستاده، هستی را از جایی دریافت نکرده است). آن مرد چون این جواب را شنید برخاست، سر مبارک امام(ع) را بوسید و گفت: «شهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و ان عليا وصى رسول الله والقائم بعده بما اقام به رسول الله و انكم الائمة الصادقون و انك الخلف بعدهم»؛ شهادت می‌دهم به وحدانیت خداوند، رسالت نبی اکرم(ص) و وصایت امیرالمؤمنین(ع) و قائم‌مقامی ایشان بعد از رسول خدا(ص). به درستی که شما پیشوایان راستگو هستید و تو جانشین بعد از آن‌ها می‌باشی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۸).

ظاهراً آن مرد از فلاسفه بوده و از جواب امام رضا(ع) پی به دانایی و امامت آن حضرت برده است. بدین‌سان امام(ع) به وی کمک کرد تا شناخت و معرفت را در قلبش زنده کند تا او مسلمان شود.

کاربست برهان و استدلال

یکی از روش‌های امام رضا(ع) در تبلیغ، استفاده از برهان و استدلال است که در سطوح مختلف برای مسائل گوناگون از این روش استفاده کرده است همانند این‌که درباره قدیم

نبودن و حادث بودن اراده از راه قضیه منفصله که از دو طرف نقیضین تشکیل شده است، می‌فرماید: «ألا تعلم أن ما لم يزل لا يكون مفعولاً و حديثاً و قديماً في حالة واحدة»؛ آیا نمی‌دانی موجودی ازلی و قدیم، نمی‌تواند در یک لحظه هم مفعول باشد، هم حادث و قدیم (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۴۵۰).

در این قضیه منفصله، مراد امام رضا^(ع) آن است که حدوث و قدم همان‌گونه که رفع هر دو از یک موضوع شدنی نیست، جمع هر دو در موضوع واحد ممتنع است همانند این‌که گفته شود «عدد زوج است یا فرد» دو طرف این قضیه زوجیت و فردیت نقیض یکدیگرند و جمع‌ناپذیر.

مورد دیگر، فرمایش امام^(ع) درباره عینیت و غیریت اراده خداوند است. هنگامی که سلیمان مروزی به ایشان عرض کرد: اراده خداوند عین ذات خداوند نیست، ولی اراده او چیزی غیر از خداوند هم نیست؛ امام^(ع) در پاسخ او فرمود: «یا جاهل! إذا قلت لیست هو، فقد جعلتها غیره، و إذا قلت لیست هی غیره، فقد جعلتها هو»؛ ای جاهل! هنگامی که می‌گویی اراده خداوند عین ذات او نیست، بایستی چیزی غیر از او باشد و هنگامی که می‌گویی اراده چیزی غیر از ذات خداوند نیست، نتیجه آن می‌شود که اراده خداوند عین ذات اوست (همان: ۴۵۳).

در این‌جا امام^(ع) یادآوری کرده‌اند که «عینیت» و «غیریت» دو امر نقیض یکدیگرند که رفع هر دو از یک موضوع شدنی نیست. زیرا اگر موجودی عین موجود دیگر نباشد، ناچار باید غیر آن باشد و نیز اگر موجودی غیر موجود دیگر نباشد، ناچار باید عین آن موجود باشد. اگر هر دو طرف (عینیت و غیریت) را با هم سلب کنیم، در حقیقت هر دو طرف نقیض را رفع کرده‌ایم، با آن‌که رفع دو طرف نقیض محال است، همان‌گونه که جمع آن دو با یکدیگر نیز ممتنع است.

استدلال دیگر حضرت در سلب احتیاج خدای متعال به غیر خود است بدین معنا که خداوند به کسی نیازمند نیست و به هیچ کس تکیه ندارد زیرا «کل قائم فی سواه معلول»؛ هر چیزی به غیر خود قوام یابد معلول است (همان).

امام(ع) در این جا به اصل علیت اشاره می‌کند که اگر موجودی وجودش عین ذاتش نباشد باید واسطه موجود غیر از خود قوام یابد و به واسطه او محقق یابد و موجود شود و بر او تکیه داشته باشد و در یک کلام معلول نباشد. عکس نقیض این قضیه آن است که هر چه معلول نیست قوام به غیر ندارد و اعتمادی به غیر نمی‌کند، بلکه قائم به ذات و مستقل در وجود و بی‌نیاز از غیر است.

تفکر، خردورزی و عقل‌گرایی

یکی از روش‌های امام رضا(ع) در تبلیغ، دعوت به خردورزی و عقل‌گرایی است. این مسئله نزد حضرت چنان جایگاه و ارزشی دارد که آن را از هر عمل عبادی بالاتر دانسته است: «لیس العبادة كثرة الصلوة و الصوم إنما العبادة التفکر فی امر الله»؛ عبادت به زیادی نماز و روزه نیست بلکه عبادت به تفکر در امر خدای تعالی است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۹۷۲).

و نیز عقل را معیار شناخت قرار می‌دهند نه حس را چنان‌که می‌فرمایند:

واعلم أنّ ما أوجدتک الحواسّ فهو معنى مدرک للحواسّ وکلّ حاسّة تدلّ علی ما جعل الله عزّ و جلّ لها فی إدركها و الفهم من القلب بجمیع ذلک کلّه؛ بدان که آنچه را حواس تو درمی‌یابد، همان معنایی است که برای حواس درک کردنی است و هر حسی نشان از آن چیزی دارد که خداوند بزرگ در حیطه درک آن قرار داده است ولی اگر فهم به وسیله قلب باشد، همه فهمیدنی‌ها را دربر می‌گیرد (عطاردی قوچانی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۰).

و نیز در تأیید این مطلب که عقل، معیاری خوب برای تشخیص حق و باطل و سره از ناسره است، همگان را از بسندگی به نقل و روایت عاری از درایت نهی کرده می‌فرماید: «کونوا دراه ولا تکونوا رواه حدیث تعرفون فقهه خیرٌ من الف تروونه»؛ اهل فهم حدیث باشید نه فقط روایت‌گر آن، حدیثی که با فقه و درایت آن آشنا باشید از هزار حدیثی که آن را بدون درایت روایت می‌کنید بهتر است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۷).

و نیز در دعوت یاران خود به کار بست خردورزی و عقل‌گرایی در تبلیغ تأکید کرده است

چنان‌که ابن‌سکیت از ایشان می‌پرسند: «با توجه به این‌که امروز، مدعیان زعامت و حتّی نبوت، زیاد شده‌اند حجت خدا بر خلق چیست تا بتوان با کمک آن، حق را از باطل و صادق را از کاذب تشخیص داد؟»

امام^(ع) در پاسخ روی عقل و خرد آدمی انگشت می‌گذارد و می‌فرماید: «العقلُ يُعرف به الصادقُ علی الله فليصدقه و الكاذبُ علی الله فليکذبه»؛ به وسیله عقل، راست گفتار نسبت به خدا شناخته می‌شود که باید او را تصدیق کرد و دروغ زن بر خدا نیز شناخته می‌شود که باید وی را تکذیب کرد (همان).

۲. روش‌های عاطفی

مراد از روش‌های عاطفی، روش‌هایی است که مبلغ می‌خواهد با کاربست آن‌ها از عواطف و گرایش‌های روحی و روانی افراد برای هدایت افراد و رشد مطلوب‌شان استفاده کند که امام^(ع) با استفاده از این روش‌ها توانست به تبلیغ دین و هدایت افراد بپردازد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

محبت و مهرورزی

یکی از بهترین و مؤثرین روش‌های تبلیغ، اظهار محبت به مخاطب است. امام رضا^(ع) از این روش تبلیغی مؤثر به صورت‌های گوناگون استفاده می‌کرده است و برای بندگان خدا کانون مهر و عاطفه بود تا آن‌جا که در زیارت آمده است: «السلام علی الامام الرئوف»؛ سلام بر امام و پیشوای رئوف و مهربان؛ زیرا ایشان بیشترین محبت و مهربانی را به مردم و اهل‌خانه و خدمت‌گزاران‌شان داشتند. روزی که مسموم شد و به شهادت رسید پس از اقامه نماز ظهر به فردی که نزدیک ایشان بود فرمودند: «مردم (منظور خانواده، کارکنان و خدمت‌گزاران‌شان بودند) غذا خورده‌اند؟ آن فرد پاسخ داد: آقای من در چنین وضعیتی کسی می‌تواند غذا بخورد؟ در این لحظه که امام^(ع) متوجه می‌شوند کسی غذا نخورده، می‌نشینند و دستور

آوردن سفره را می‌دهند همه را سر سفره دعوت می‌کنند و آن‌ها را یکی یکی مورد محبت قرار می‌دهند» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۹۸).

داستان کیسه کشیدن امام(ع) در حمام هم از صحنه‌های آموزنده رفتار ایشان است. روایت‌کننده واقعه این‌گونه گزارش می‌کند: امام(ع) وارد حمام می‌شود. کسی که آن حضرت(ع) را نمی‌شناخت، از امام(ع) می‌خواهد که پشت او را کیسه بکشد و ایشان بلافاصله می‌پذیرد و پشت او را کیسه می‌کشد. اطرافیان متوجه شده به آن مرد یادآور می‌شوند، احساس شرم و ناراحتی وجود او را فرا می‌گیرد. اما امام(ع) همچنان مشغول است و مهربانانه از او دلجویی می‌کند و به او آرامش می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۹۹).

امام(ع) وقتی هم که در مقام مناظره و مواجهه علمی و فرهنگی با عالمان و اندیشمندان گروه‌های مختلف فکری و نمایندگان مکاتب دوران خود قرار می‌گیرد، باز همان امام(ع) مهربان و مهرورز است. با کمال احترام به یکایک پرسش‌ها، شبهات و مسائل آنان پاسخ می‌دهد و از هیچ رویارویی علمی روی برنمی‌تابد و یک تنه از عهده این مواجهه برمی‌آید و از طرح هیچ شبهه‌ای از سوی مناظره‌کنندگان دغدغه‌ای به خود راه نمی‌دهد و به این گونه، معنای امام بودن را در فرهنگ اسلامی در معرض دید جهانیان می‌گذارد. چنان‌که در پایان یکی از همین گفت‌وگوها و مناظرات، عمران صابی از عالمان و فیلسوفان معاصر امام اسلام می‌آورد و در سلک شیعیان قرار می‌گیرد (شریف القرشی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۹۱).

موعظه

روش موعظه به‌عنوان یکی از روش‌های اساسی در تبلیغ تلقی معارف دینی محسوب می‌شود. راغب اصفهانی در معنای وعظ می‌نویسد: «وعظ در لغت به معنای باز داشتن و منع کردن است که مقرون به بیم دادن [از عواقب کار] باشد» و از خلیل (لغوی معروف) نقل می‌کند که گفته است: «وعظ، یادآوری و توجه دادن قلب‌ها به خوبی‌هاست، آن‌گونه که موجب رقت قلب شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۸ق: ماده وعظ).

در مجمع البحرین آمده است: «موعظه عبارت است از سفارش به تقوا و ترغیب به طاعت‌ها و پرهیز از گناهان و برحذر داشتن از این که کسی فریب دنیا خورده و به زر و زیور آن دل نبندد» (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۲۹).

برخی بر این باورند که موعظه همان خطابه است که اهل منطق در کنار برهان و جدل قرار داده‌اند ولی به نظر می‌رسد موعظه با خطابه فرق دارد. کار خطابه با احساسات است و غیرت، حمیت، حمایت، سلحشوری، عصبیت، برتری طلبی، عزت طلبی، مردانگی، شرافت، کرامت، نیکوکاری و خدمت را به جوش می‌آورد و در جایی به کار می‌رود که احساسات خمود و راکد است ولی موعظه کارش، رام ساختن و تحت تسلط در آوردن احساسات است و جوشش‌ها و هیجان‌های بی‌جان را خاموش می‌کند و توفان‌ها را خاموش کرده و فرو می‌نشانند و در جایی به کار می‌رود که شهوات و احساسات خودسرانه عمل می‌کند (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۲۷).

شیخ مفید آورده است که «امام^(ع) در مجالس خصوصی با مأمون، او را نصیحت می‌کرد و از عذاب الهی بیم می‌داد و به خاطر کارهای خلافی که مرتکب می‌شد به نکوهش او می‌پرداخت. مأمون به ظاهر اندرزهای امام^(ع) را می‌پذیرفت، ولی در واقع از این برخوردها سخت ناراحت می‌شد» (عطاردی قوچانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۷۴).

شیخ مفید نمونه‌ای از این گونه موارد را یاد کرده است. از جمله زمانی که او به پیشروی نظامی در کشورهای غیر اسلامی مشغول بود و در محضر امام رضا^(ع) اظهار شادی می‌کند.

امام^(ع) به او می‌فرماید: آیا فتح یکی از قریه‌های شرک، تو را شادمان ساخته است؟

مأمون: آیا چنین فتحی مایه شادی نیست؟

امام: ای رئیس مؤمنان! درباره امت محمد^(ص) و مسئولیت زمامداری که خداوند آن را

در اختیارت نهاده، از خدا بترس!

همانا تو امور مسلمانان را تباه ساخته‌ای، حکمرانی را به غیر خود واگذار کرده‌ای که در میان مسلمانان به غیر حکم خدا حکمرانی می‌کنند (تو با نصب فرمانداری نالایق و ستمگر، حق مسلمانان بلاد را تباه کرده‌ای، اکنون به خاطر فتح فلان قریه خوش رقصی می‌کنی؟)

تو در این بلاد نشسته‌ای ولی خانه هجرت و محل فرود وحی (مدینه) را ترک کرده‌ای، (و بر اثر ظلم حکمرانان ستمگرت) به مسلمانان مهاجر و انصار، ظلم می‌شود و دسترسی به تو ندارد و کسی به داد آن‌ها نمی‌رسد از خدا بترس و به امور مسلمانان توجه داشته باش! آیا نمی‌دانی که زمامدار مسلمانان مانند ستون وسط خیمه است که هر کسی در درون خیمه است بخواهد می‌تواند آن ستون را بگیرد. تو نیز باید به مسلمانان این‌گونه نزدیک باشی و مردم به تو دسترسی داشته باشند و شکایت‌های خود را به تو برسانند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۵).

بیانات امام(ع) به قدری قاطع بود که مأمون تسلیم شد و خود را آماده سفر به سوی عراق (و سپس حجاز) کرد، ولی حوادثی پیش آمد که به این مقصود نرسید ... (عطاردی قوچانی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۶۵).

تکریم شخصیت

امام رضا(ع) در تمام فعالیت‌های تبلیغی خود، شخصیت افراد را گرامی می‌داشت و از هرگونه رفتار و گفتار توهین‌آمیزی که موجب بی‌احترامی و کوچک شمردن شخصیت وی شود، اجتناب می‌ورزید تا بدین‌وسیله بتواند توجه مخاطب را به خود جلب و رفتار او را اصلاح کند. یاسر، خادم امام رضا(ع) از ایشان این روایت را نقل کرده است که حضرت فرمود: «اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید، تا این‌که از غذا خوردن فارغ شوید. گاهی حضرت، یکی از ما را (برای انجام کاری) صدا می‌کرد. وقتی گفته می‌شد: مشغول غذا خوردن است، می‌فرمود: بگذارید تا غذایش را بخورد، بعد...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰).

و نیز در روایت آمده است «وقتی منزل را خلوت می‌دید تمام غلامان و اطرافیانش را از کوچک و بزرگ جمع می‌کرد برای آنان حدیث می‌خواند و انس می‌گرفت. آنان هم با وی مأنوس می‌شدند. هرگاه بر سر سفره می‌نشست، کوچک و بزرگ همه را صدا می‌کرد، حتی کارپرداز (سائس) و حجام را، همه را بر سر سفره خویش می‌نشاند...» (همان: ۱۶۴).

در نظر امام^(ع) همه افراد، دارای مقام، ارزش و حقوق انسانی هستند. از این رو، به همه احترام می‌گذاشت و از تحقیر انسان‌ها و پست شمردن آنان و توهین و استهزا، جلوگیری می‌کرد. شکل و شمایل و رنگ و ثروت و ... ملاک نبود، بلکه «انسان» به عنوان انسان نزد او محترم و عزیز بود.

این سیره حضرت^(ع) در تمام مناظرات به خوبی نمایان بود به گونه‌ای که مخاطبان را وا می‌داشت که رو به قبله افتاده اسلام بیاورند یا از عقاید خود توبه کنند.

امام^(ع) در آخر مناظره با عمران از او می‌پرسد: «افهمت یا عمران، جواب می‌دهد: بله سرورم فهمیدم، گواهی می‌دهم خدا چنان است که به یکتایی و صفش کردی و محمد بنده او به نور هدایت و دین حق مبعوث شده، پس رو به قبله افتاد و اسلام آورد» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۹).

نیز جاثلیق رهبر مسیحیان، در پایان مناظره با قبول شکست با امام^(ع) چنین گفت: «بهتر است کسی دیگر سؤال کند، به حق مسیح، گمان نمی‌کردم در میان مسلمانان کسی مثل تو باشد» (همان: ۳۳۳).

رأس الجالوت نیز خطاب به امام رضا^(ع) فرمود: «به خدا قسم ای پسر محمد، اگر ریاستی که بر تمام یهود پیدا کرده‌ام مانع نمی‌شد دستور تو را پیروی می‌کردم به خدایی که تورات را بر موسی و زبور را بر داوود نازل کرده، کسی را ندیده‌ام که تورات و انجیل را بهتر از تو تلاوت و بهتر و شیرین‌تر از تو تفسیر کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۷۸).

مخاطب‌شناسی

مخاطب‌شناسی که از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی به‌شمار می‌رود، موجب می‌شود انسان‌ها در تعامل با دیگران، میزان خرد آن‌ها را سنجش کرده و به میزان عقول مخاطبان و درک صحیح از تفاوت استعداد و توان وجودی انسان‌ها، با آنان بحث نمایند؛ زیرا سزاوار است هنگام بحث با برخی افراد، استدلال دقیق به کار برد و در مقابل، در مباحثه

با افرادی که از دانش کمتری برخوردار هستند، باید ضمن پرهیز از ورود به مباحث پیچیده علمی و تخصصی، سطح بسیط و غیرعمیقی از مباحث را در پاسخ‌گویی به مشکلات فکری و عقیدتی آنان مورد توجه قرار داد.

بر همین اساس، می‌توان در شیوه استدلالی امام(ع)، توجه به ظرفیت مخاطبان و در نظر گرفتن فضای فکری و فرهنگی آن‌ها را مورد لحاظ قرار داد؛ برای نمونه، شخصی از ثنویه (دوگانه‌پرستان) خدمت حضرت رسید و بر یکتایی وجود خداوند دلیل خواست. ایشان با توجه به میزان فهم و قدرت شناخت وی، به پاسخی اقماعی اکتفا نموده و فرمود: «این‌که تو می‌گویی خداوند دو تا است، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دومی» را نمی‌خوانی، مگر آن‌که اولی را اثبات کنی. پس اولی، مورد اتفاق همگان بوده و دومی، محل اختلاف است.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۷۰).

همان‌طور که دیده می‌شود، آن حضرت(ع) در این استدلال به اثبات خدای واحد اکتفا نموده، خدای دوم را در مرحله شک و امی‌نهد و آن را نفی نمی‌کند. طبیعی است که این استدلال، صرفاً جنبه اقماعی داشته و این نیست، مگر همان «مخاطب‌شناسی» و رعایت ظرف فکری مخاطب.

امام(ع) در مجلسی به مأمون که از ایشان می‌پرسند: «یا اباالحسن ما را از پدرت امیرالمؤمنین(ع) آگاه کن که به چه علت قسیم‌الجنه و النار خوانده می‌شود؟ و این به چه معنایی است که این مطلب فکر مرا مشغول کرده است؟

پس امام(ع) عمق اعتقادات او را در نظر گرفته و به او چنین می‌فرماید: «اگر تقسیم بهشت و جهنم بر اساس محبت و بغض او(علی(ع)) باشد پس او قسمت‌کننده بهشت و جهنم است. مأمون گفت: ای اباالحسن، خداوند مرا پس از تو زنده نگذارد، شهادت می‌دهم که تو وارث علم رسول خدا(ص) هستی.

اباصلت هروی می‌گوید:

چون حضرت رضا(ع) به منزل بازگشتند، نزد ایشان رفتم و گفتم: ای پسر رسول خدا(ص)،

چه نیکو به مأمون پاسخ دادید، حضرت^(ع) فرمودند: ای أباصلت من در خور فهم مأمون پاسخ دادم و از پدرم شنیدم که از پدرانش از علی^(ع) نقل می‌کردند که رسول خدا^(ص) فرمود: ای علی تو در روز قیامت قسمت‌کننده بهشت هستی به آتش می‌گویی این برای من و این برای تو (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۳۲).

فرصت‌شناسی امام رضا^(ع)

نگاهی دقیق و پژوهشگرانه به زندگی امام علی بن موسی الرضا^(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت بهترین استفاده را از فرصت‌ها برای تبلیغ دین کرده است. امام^(ع) هر کجا فرصتی به دست می‌آورده آن را مغتنم شمرده است. چنان‌که امام^(ع) در زمان حضور در مدینه که با فرصت‌شناسی تمام همراه بود به تربیت شاگردان بسیار و تبلیغ و ترویج فرهنگ علوی پرداخت و در طول مسیر به مرو و در هنگام حضورش در مرو، به آن اشتغال داشت.

۳. روش‌های رفتاری

روش‌های رفتاری، روش‌هایی هستند که مستقیم با رفتار مخاطبان سروکار دارد و مبلغ می‌خواهد با استفاده از این روش‌ها، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در وی ایجاد و تثبیت کند. مهم‌ترین روش‌های تبلیغی رفتاری در سیره امام رضا^(ع) عبارت است از:

ارائه الگو

روش ارائه الگو به سبب گرایش ذاتی انسان به الگوگیری، روشی بسیار مؤثر و سریع در تعلیم و تربیت است. در این باره بهترین الگو از نظر قرآن، پیامبر اکرم^(ص) است «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا^(ص) سرمشق نیکویی بود (الاحزاب، ۲۱). الگو به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه و... است. روش الگویی، مدلی

است بیرونی که بر اساس تربیت‌پذیری و الگوگیری بر رفتار فرد (متربی) تأثیر می‌گذارد و او را جذب می‌کند. امام(ع) در میان مردم و با مردم می‌زیست، با رفتار و عمل خویش به مردم درس زندگی و پاکی و فضیلت می‌آموخت، آن حضرت الگویی برای دیگران و در حقیقت نمونه بارز اسوه حسنه بود.

اباصلت می‌گوید: من در سرخس به خانه‌ای که حضرت(ع) را تحت نظر گرفته بودند رفتم، از نگهبان اجازه گرفتم او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست. گفتم: چرا؟ گفت: امام(ع) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و از نماز، یک ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می‌شوند و همه اوقات‌شان در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می‌شود. اباصلت به نگهبان می‌گوید در همین موقع اجازه بگیر. اتفاقاً اجازه گرفتند من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرفیاب شدم (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۳۲-۴۳۱).

اهمیت دادن امام(ع) به نماز در سیره عملی ایشان کاملاً مشهود است. نقل شده است روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان زیادی بین ایشان و حاضران رد و بدل می‌شد. جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام(ع) فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنان‌مان را قطع نکن که دلم آزرده می‌شود شاید اگر سخنان‌تان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند: نماز می‌خوانیم و برمی‌گردیم. امام(ع) برخاستند و نماز خواندند (مدرسی، ۱۳۶۷: ۲۸۱).

ابراهیم‌بن عباس این رفتار را چنین وصف می‌کند:

هرگز اتفاق نیفتاد که در سخن گفتن به کسی جفا کند، هر که با او گفت‌وگو می‌کرد، کلامش را قطع نمی‌کرد و فرصت می‌داد تا آخرین سخن خود را بگوید، اگر کسی حاجتی نزد او می‌آورد، در صورت امکان ابداً او را مأیوس نمی‌کرد، ندیدم در حضور کسی پایش را دراز کند و تکیه بزند، سراغ ندارم به کسی از غلامانش ناسزا بگوید، ندیدم آب دهان

را به زمین بیندازد و با صدا و قهقهه بخندد، بلکه تنها تبسم می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۸۴).

خطابه و منبر

در خطابه، خطیب با مخاطب قرار دادن شنوندگان، آنان را به خودشناسی و دقت برای درک صحیح از ارتباط با خدا، خود و دیگران فرا می‌خواند و نیز به توجه در عاقبت رفتار و کردار خود در روز رستاخیز دعوت می‌کند. این روش در سیره تبلیغ امام رضا^(ع) همانند سایر پیشوایان معصوم^(ع) کاربرست داشته است.

امام^(ع) بر اساس شرایط و موقعیت‌ها، از انواع خطابه در موقعیت‌های مختلف بهره جسته است.

گاهی از خطبه‌های اعتقادی استفاده کرده است چنان‌که در خطبه اعتقادی درباره توحید که یکی از اصول دین است، مطالب مفصلی بیان کرده‌اند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۱) و گاهی نیز از خطبه‌های اخلاقی بهره گرفته که امام^(ع) در آن‌ها مردم را به اخلاق، خودسازی، تهذیب نفس و... دعوت کرده است (ر.ک: شامی، ۱۴۲۰: ۲۱۵) و گاهی نیز از خطبه‌های سیاسی استفاده کرده چنان‌که مأمون از حضرت رضا^(ع) خواست برای مردم خطبه بخواند، آن حضرت خطبه بسیار کوتاهی خواند پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «إِنَّ لَنَا حَقًّا بِرَسُولِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْنَا حَقًّا بِهِ، فَإِذَا أَدَيْتُمْ إِلَيْنَا ذَلِكَ، وَجَبَ عَلَيْنَا الْحَقُّ لَكُمْ»؛ همانا از برای ما بر شما حقی است به واسطه رسول خدا^(ص) و از برای شما بر ما حقی است، هر گاه حق ما را به ما دادید، بر ما نیز حق شما لازم است (مفید، ۱۴۱۳، ق، ج ۲: ۳۶۸).

مجادله به احسن

مجادله در لغت به معنای پیچاندن طناب است و در اصطلاح به پیچاندن طرف مقابل و گفت‌وگو برای غلبه بر او به کار رفته است.

به عبارت دیگر، سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه‌جویی را مجادله گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۸ق، ماده جدل). از موارد استعمال لفظ جدال به خوبی استفاده می‌شود که دارای مفهوم وسیعی است که هر نوع بحث و گفت‌وگوی طرفین را شامل می‌شود خواه به حق باشد یا به باطل.

مجادله بر سه قسم است: ۱. مجادله احسن، ۲. مجادله حسن و ۳. مجادله غیر حسن (بد). از آن‌جا که اساس سیره تبلیغی پیشوایان امام رضا(ع) همانند سایر پیشوایان معصوم(ع)، واقع‌نگری و حقیقت‌نگری است از مجادله به حسن و غیرحسن پرهیز کرده و روش مجادله احسن را به کار برده است که نمونه بارز آن مناظره با جاثلیق مسیحی است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۴: ۳۵۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۱۸).

پاسخ به سؤالات و شبهات

یکی از مشکلات جوامع، سؤالات و شبهات بی‌شمار دینی در هر عصری است که برای مردم در برخورد با مفاهیم و مضامین عالی دینی شبهه و سؤال مطرح می‌شود یا از سوی دشمنان دین و فرقه‌ها و مذاهب مختلف در سطح جامعه پخش می‌شود، لذا می‌بینیم امامان معصوم(ع) و امام رضا(ع) از طرق مختلف پاسخ‌گوی سؤالات و شبهات هستند.

تبلیغ چهره به چهره

تبلیغ چهره به چهره شیوه یکی از بهترین شیوه‌های تبلیغی است. کسانی که دچار سؤال و شبهه می‌شدند، امام(ع) فرصت حضور افراد را فراهم می‌کرد و اشخاص حضوری به خدمت امام(ع) می‌رسیدند، سؤالات و شبهات خود در زمینه‌های مختلف دینی را مطرح می‌کردند و ایشان پاسخ می‌دادند.

از حسین بن خالد روایت شده:

به امام رضا(ع) عرض کردم: مردم از رسول خدا(ص) روایتی نقل می‌کنند که حضرت

فرموده خداوند آدم را به شکل خودش آفرید، امام^(ع) در جواب فرمودند: خدا آن‌ها را بکشد! اول حدیث را حذف کرده‌اند؛ روزی حضرت رسول^(ص) از مقابل دو تن که به یکدیگر دشنام می‌دادند می‌گذشتند، یکی از آن دو به دیگری می‌گفت خدا چهره تو و چهره هر کس را که به تو شبیه است، قبیح و زشت گرداند! رسول خدا^(ص) به او فرمود: ای بنده خدا این سخن را به برادرت نسبت مده زیرا خداوند آدم^(ع) را به شکل او آفرید (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۴۰).

این سخن امام^(ع) خط بطلانی است بر نظر اشاعره که معتقدند هر صفتی از صفات خدا مانند علم، قدرت و... دارای حقیقتی است جدای از ذات خداوند و مغایر با آن، ولی طبق تعالیم ائمه^(ع) این قبیل صفات (صفات زائد) عین ذات خداوند هستند؛ علم خدا غیر از ذات نیست، بلکه علم خدا عین ذات اوست (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۵۶).
ابراهیم بن ابی محمود نیز گوید:

به حضرت رضا^(ع) عرض کردم نظر شما در باره حدیثی که مردم از حضرت رسول^(ص) نقل می‌کنند که ایشان فرمودند خداوند تبارک و تعالی هر شب جمعه به آسمان دنیا (پایین) می‌آید چیست؟ امام^(ع) فرمود: خداوند لعنت کند کسانی را که کلمات را از محلّ خود جا به جا و تحریف می‌کنند. به خدا قسم، رسول خدا^(ص) چنین سخنی نگفته است، بلکه فرموده‌اند که خداوند تعالی در ثلث آخر هر شب و هر شب جمعه از اول شب، فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد و آن فرشته به فرمان خداوند ندا می‌کند: آیا هیچ درخواست‌کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را برآورم؟ آیا هیچ توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا هیچ استغفارکننده‌ای هست تا او را بیمارزم؟ ای که طالب خیر هستی! به این سو بیا، ای که به دنبال شرّ هستی دست نگهدار و این فرشته تا طلوع فجر این ندا را ادامه می‌دهد و چون فجر طلوع کند به محلّ خود در ملکوت آسمان بازمی‌گردد. این حدیث را پدرم از جدم و او از پدرانش از قول رسول الله^(ص) برایم نقل کرد (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵۵).

مکاتبه

با عنایت به مشکلاتی که امام رضا^(ع) در ارتباط حضوری با شیعیان در زمان حیات خود

و زندگی در خراسان آن روز داشتند، توصیه‌ها و مسائل مد نظر را از طریق مکاتبه و توسط نمایندگان خود در بلاد مختلف به اطلاع مردم می‌رساندند. یکی از اسناد موجود، نامه ایشان به حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) است که در آن زمان در ری زندگی می‌کردند. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ يا عبدالعظيم! أبلغ عني أوليائي السلام وقل لهم: أن لا يجعلوا للشيطان علي أنفسهم سبيلاً، ومُرهم بالصدق في الحديث وأداء الأمانة، ومُرهم بالسكوت وترك الجدل فيما لا يعنينهم، وإقبال بعضهم علي بعض والمزاورة، فإن ذلك قرينة إلي. ولا يشغلوا أنفسهم بتمزيق بعضهم بعضاً، فإنني آليت علي نفسي أنه من فعل ذلك وأسخط ولياً من أوليائي دعوت الله ليعذب به في الدنيا أشد العذاب، وكان في الآخرة من الخاسرين. وعرفهم أن الله قد غفر لمحسنيهم، وتجاوز عن مسيئتهم، إلا من أشرك به أو آذى ولياً من أوليائي أو أضر له سوء، فإن الله لا يغفر له حتى يرجع عنه، فإن رجع وإلا نزع روح الإيمان عن قلبه، وخرج عن ولايتي، ولم يكن له نصيب في ولايتنا، وأعوذ بالله من ذلك؛ أي عبدالعظيم! سلام گرم مرا به دوستاندارانم برسان و به آنان بگو: در دل‌های خویش برای شیطان راهی نگشایند و آنان را به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکوت پرمعنا و ترک درگیری و جدال در کارهای بیهوده و بی‌فایده فراخوان.

و به صلح و رحمت و رفت و آمد با یکدیگر و رابطه گرم و دوستانه با هم دعوت کن، چرا که این کار باعث تقرب به خدا و من و دیگر اولیای اوست. دوستان ما نباید فرصت‌های گران‌بهای زندگی و وقت ارزشمند خود را به دشمنی با یکدیگر تلف کنند. من با خود عهد کرده‌ام که هر کس مرتکب این‌گونه امور شود یا به یکی از دوستانم و رهروانم خشم کند و به او آسیب رساند از خدا بخواهم که او را به سخت‌ترین کیفر دنیوی مجازات کند و در آخرت نیز این‌گونه افراد از زیانکاران خواهند بود. به دوستان ما توجه ده که خدا نیکوکرداران آنان را مورد بخشایش خویش قرار داده و بدکاران آنان را جز آن‌هایی که بدو شرک ورزند یا یکی از دوستان ما را برنجانند یا در دل نسبت به آنان کینه بپرورند، همه را مورد عفو قرار خواهد داد اما از آن سه گروه نخواهد گذشت و آنان را مورد بخشایش خویش قرار نخواهد داد. جز این‌که از نیت خود بازگردند و اگر از این اندیشه و عمل زشت خویش بازگردند، مورد آمرزش خواهند بود اما اگر همچنان باقی باشند، خداوند

روح ایمان را برای همیشه از دل آنان خارج ساخته و از ولایت ما نیز بیرون خواهد برد و از دوستی ما اهل بیت^(ع) نیز بی بهره خواهند بود و من از این لغزش‌ها به خدا پناه می‌برم (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۱).

در این نامه امام^(ع) به شیعیان سفارش می‌کند که نسبت به یکدیگر صادق و امانتدار باشید و از تفرقه و جدایی پرهیزید و به دیدن همدیگر بروید و آبروی یکدیگر را نریزید و یکدیگر را تخریب نکنید و در ادامه فرمود: «خدا شیعه را می‌بخشد جز سه گروه! شیعه‌ای که مشرک شود «أَشْرَكَ بِهِ» یا این که یکی از دوستان ما را برنجاند «أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي» یا این که در دلش بدخواه و کینه‌ای داشته باشد «أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا».

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و یکی از روش‌های تبلیغی است که در قرآن و روایات محور سایر مباحث دینی قرار گرفته است. در برخی آیات دلیل برتری امت اسلامی، ایمان به خدا و انجام این دو فریضه ذکر شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید (آل عمران، ۱۱۰).

امام رضا^(ع) در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «زمانی که امت من نسبت به امر معروف و نهی از منکر سهل‌انگاری کنند و مسئولیت را به گردن یکدیگر اندازند، بایستی منتظر عذاب الهی باشند و این کار آن‌ها به منزله اعلان جنگ با خداست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۹۷).

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر امام^(ع) در تبلیغ دین از این روش استفاده کرده است: در روایت آمده است جمعی از شیعیان، در آن هنگام که امام رضا^(ع) در خراسان بود، از شهری به خراسان رفتند تا به محضر ایشان برسند، این گروه در عین آن که شیعه

بودند به گناهانی آلوده بودند، آن‌ها یک ماه در خراسان ماندند و هر روز دو بار به در خانه امام رضا(ع) می‌آمدند ولی دربان اجازه ورود به آن‌ها نمی‌داد، سر انجام آن‌ها توسط دربان به امام رضا(ع) پیام دادند: «ما از راه دور آمده‌ایم اگر شمارا ملاقات نکنیم، روسیاه خواهیم شد و هنگام مراجعت به وطن، در نزد مردم، شرمنده و سرافکننده می‌گردیم، به ما اجازه ملاقات بده ...» دربان پیام آن‌ها را به امام رضا(ع) رسانید، ایشان اجازه ورود به آن‌ها داد، آن‌ها گله کردند، امام(ع) به آن‌ها فرمود: «این‌که اجازه ندادم، از این‌رو بود که شما ادعا می‌کنید شیعه حضرت علی(ع) هستید، ولی دروغ می‌گویید، شیعه علی(ع)، حسن(ع) و حسین(ع) و سلمان، ابوذر، مقداد و عمار و... بودند، شما مدعی هستید که شیعه امیرمؤمنان(ع) هستید ولی در بیشتر اعمال با آن حضرت مخالفت می‌کنید...» آن‌ها همان‌دم استغفار و توبه حقیقی کردند، امام آن‌ها را با آغوشی باز پذیرایی کرد و با آن‌ها گرم گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۱۵۹-۱۵۸).

به این ترتیب، امام(ع) با به‌کاربردن یکی از مراحل عملی امر به معروف و نهی از منکر آن‌ها را هدایت کرد.

سیره تبلیغی امام(ع) در بیان امر به معروف و نهی از منکر به گونه‌ای بود که فرقی بین خادمان خود و دیگران قائل نبود، طوری که شیخ صدوق می‌نویسد: «اباصلت می‌گوید: در بیان مسائلی که حق می‌دانست، از مأمون وحشی نداشت و در اکثر اوقات به او چنان جواب می‌داد که ناراحتش می‌کرد، این وضع سبب غضب مأمون و ازدیاد عداوتش نسبت به آن حضرت می‌گردید ولی غضب و عداوت خود را هرگز به امام(ع) آشکار نمی‌کرد» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۵).

نقش امر به معروف و نهی از منکر در زندگی ایشان چنان بارز بود که ابن‌بابویه (۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷) و مفید (۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۹) آن را یکی از مهم‌ترین علل شهادت حضرت رضا(ع) بیان می‌کنند.

تقیه

یکی از تعالیم اسلام این است، در مواردی که جان و عرض و مال یک فرد مسلمان بر اثر اظهار عقیده به خطر خواهد افتاد می‌تواند عقیده خود را کتمان کند. در اصطلاح شرعی به این امر «تقیه» گفته می‌شود. جواز تقیه، نه تنها مدرک شرعی دارد، بلکه عقل و خرد نیز بر درستی و لزوم آن در شرایط حساس گواهی می‌دهد. چرا که از یک طرف حفظ جان و مال و آبرو لازم است و از طرف دیگر عمل بر وفق عقیده یک وظیفه دینی است. اما در مواردی که اظهار عقیده جان و مال و آبروی شخص را به خطر می‌افکند و این دو وظیفه عملاً با هم تزاخم و اصطکاک می‌یابند، طبعاً حکم خرد آن است که انسان وظیفه و تکلیف مهم‌تر را بر دیگری مقدم بدارد. در حقیقت، تقیه سلاح ضعفا در مقابل اشخاص قدرتمند و بی‌رحم است و پیداست که اگر تهدیدی در کار نباشد، انسان نه عقیده خویش را کتمان می‌کند و نه بر خلاف اعتقاد خود عمل می‌نماید (سبحانی، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

بر این اساس، تقیه شیوه و روش حکیمانه‌ای است که امامان معصوم^(ع) برای پیشبرد اهداف مذهب و نشر علوم اسلامی به آن عمل کرده و به آن دستور داده‌اند. با مروری بر زندگانی پر برکت هشتمین اختر تابناک امامت و ولایت امام رضا^(ع) درمی‌یابیم امامان^(ع) نیز در مقطع کوتاه از این شیوه بهره‌جسته و توانسته‌اند ذهن دشمن را منحرف کنند تا به فعالیت‌های تبلیغی خود پشت سر این تاکتیک گره‌گشا و حیاتی بپردازند. مطابق بعضی از روایات، خفقان و فشار رژیم هارون به قدری شدید بود که پس از شهادت امام کاظم^(ع)، حضرت رضا^(ع) به بازار رفت، یک سگ [گله] و یک خروس و یک گوسفند خرید و به خانه آورد. جاسوس‌های هارون، این موضوع را به هارون گزارش دادند. هارون گفت: «قَدْ أَمِنَّا جَانِبَهُ!»؛ از ناحیه حضرت رضا^(ع) ایمن و راحت شدیم. او خود را به دامداری مشغول و از سیاست کناره‌گیری کرده است، بنابراین ما از ناحیه او آسیب نمی‌بینیم (همان).

اتخاذ این سیاست از طرف امام^(ع) در حقیقت تاکتیکی بود تا به این وسیله خود را از گزند هارون حفظ کند. از این رو، یکی از افراد زیربوری (که از دشمنان حضرت رضا^(ع) بود)

برای هارون نامه نوشت که: «علی بن موسی الرضا(ع) در خانه‌اش را به روی مردم گشوده و مردم را به سوی (امامت) خود دعوت می‌کند.» [منظور زبیری این بود که هارون را بر ضد حضرت رضا(ع) تحریک کند]، هارون پس از دریافت و خواندن نامه او گفت: «شگفتا از این شخص زبیری، با این که به من گزارش رسیده که حضرت رضا(ع) گوسفند و سگ و خروس خریده و به این امور مشغول است، زبیری چنین نوشته است!» (ابن بابویه، ۱۳۶۳ ج ۲: ۲۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۱۵).

به این ترتیب، هارون سخن‌چینی زبیری را رد کرد و به بهانه این که حضرت رضا(ع) به دآمداری اشتغال دارد، دست از آن حضرت برداشت.

بعضی قبول مسئله ولایتعهدی از سوی امام(ع) را که یک مسئله پیچیده سیاسی است از روی تقیه بیان کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۶۳).

سفر به مراکز علمی

سفر به شهرهای مختلف و مراکز علمی وقت از جمله بصره، کوفه، مرو، نیشابور و شهرهای مختلف ایران در طول سفر به مرو زمینه‌ساز تشکیل محافل علمی، بروز کرامات و معجزات و... می‌شد، در حالی که چنین موقعیتی برای هیچ‌یک از اجداد وی پیش نیامد (محبی، ۱۳۸۸: ۲۶).

حوادث و معجزاتی که در مسیر راه از مدینه تا خراسان و در خود خراسان از آن حضرت دیده شد، پایگاه مردمی ایشان را رفیع و موقعیت خاندان رسالت را در نظر مردم، بسیار بالا برد و به عکس دشمنان و مخالفان را رسوا کرد؛ در صورتی که اگر آن حضرت(ع) در مدینه ماندگار می‌شد، برکات وجودش، این گونه جهانی نمی‌شد. ناخشنودی آن حضرت(ع) نیز از این سفر، به خاطر آن بود که ناخشنودی خود را از مأمون آشکار کند، تا مردم فریفته چهره فریب‌نمای مأمون نشوند، بنابراین آن حضرت(ع) از اصل مسافرت و آثار درخشان آن ناخشنود نبود. در این جا می‌توان هجرت ایشان به خراسان و برکات این هجرت را به

هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه و برکات آن، تشبیه کرد؛ از این رو که پیامبر (ص) از خروج از مکه ناخشنود بود، ولی از سوی دیگر هجرت ایشان برکات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری داشت که هرگز آن برکات با ماندن آن حضرت (ع) در مکه برای او میسر نبود (شریف‌قریشی، ۱۳۸۲: ۸۵).

تربیت شاگردان و نخبگان برای ترویج و تبلیغ معارف تشیع

یکی از روش‌های اصلی ائمه (ع) برای تبلیغ دین و رویارویی و جواب به شبهات و پاسخ به سؤالات در مناطق و شهرهای مختلف، تربیت نخبگان علمی بوده که از سوی ائمه (ع) اهتمام جدی به این مطلب دیده می‌شود.

امام رضا (ع) نیز برای ترویج و تبلیغ، شاگردان بی‌نظیری را تربیت کرد که هر کدام از آن‌ها تألیفات متعددی داشته و در شهرهای مختلف به عنوان شاگرد و نماینده امام (ع) بوده‌اند.

علی بن مسیب روایت کرده:

خدمت حضرت رضا (ع) عرض کردم محل من از شما دور است و به شما دسترسی ندارم و در هر وقت نمی‌توانم خدمت شما برسم، مسائل دینی خود را از کدام شخص اخذ کنم. فرمود: از زکریا بن آدم قمی که دین و دنیایش محفوظ و مورد اطمینان است، راوی گویند: من برگشتم و هر چه احتیاج داشتم از وی سؤال می‌کردم (عطاردی قوچانی، ۱۳۹۱: ج ۲: ۴۳۶؛ کشی، ۱۳۸۲: ۴۹۶).

تا جایی که امام (ع) اگر آن‌ها قوم خود را نیز می‌خواستند ترک کنند، راضی به این کار نمی‌شدند.

از زکریا بن آدم روایت شده: «به امام رضا (ع) گفتم: من می‌خواهم فامیلم را رها کنم زیرا در بین آن‌ها افراد سفیه زیاد شده است. حضرت فرمود: این کار را نکن زیرا به وسیله تو بلا از آن‌ها دفع می‌شود همان‌گونه که به خاطر ابی‌الحسن الکاظم (ع) بلا از مردم بغداد دفع می‌شود» (کشی، ۱۳۸۲: ۴۹۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۹۶؛ عطاردی قوچانی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۴۳۵).

تعداد شاگردان امام (ع) بسیار زیاد است، در رجال برقی (۱۳۸۴: ۵۵ - ۵۳) اصحاب

امام(ع) ۷۴ نفر ذکر شده، شیخ طوسی در کتاب رجال (۱۳۸۹ق: ۲۹۰) ۳۱۸ نفر را در ردیف اصحاب و راویان امام رضا(ع) ذکر کرده و در کتاب جامع‌الرواه اصحاب امام رضا(ع) ۸۱۳ نفر ذکر شده است (نجف، ۱۳۶۸: ۲۹۰).

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های انبیا و پیشوایان معصوم(ع)، رساندن پیام الهی و هدایت مردم به رشد مطلوب است و این امر مستلزم آشنایی مبلغ با روش‌های مناسب تبلیغ است.

تبلیغ دینی را می‌توان به صورت‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. جامع‌ترین روش‌های تبلیغ دینی را بر اساس آیه «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه...» می‌توان به روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد که حکمت اشاره به بعد شناختی، موعظه به بعد عاطفی و مجادله احسن به بعد رفتاری برمی‌گردد.

مهم‌ترین روش‌های تبلیغی امام رضا(ع) همانند سایر پیشوایان معصوم(ع) با توجه به مقتضیات زمان، روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری بوده که توانست به تبلیغ آیین اسلام و مذهب حقه شیعه بپردازد.

منظور از روش‌های شناختی، روش‌هایی است که امام رضا(ع) می‌خواهد شناخت و آگاهی مردم درباره مبانی نظری و باورها را تقویت کند که مهم‌ترین این روش‌ها تبیین مبانی و جهان بینی اسلام، کاربرست برهان و استدلال و تفکر، خردورزی و عقل‌گرایی است. امام رضا(ع) همانند سایر پیشوایان معصوم(ع) همواره کوشش می‌کرد در فرصت‌های مقتضی باورها و جهان‌بینی اسلامی به‌ویژه باور به توحید و یکتاپرستی را به افراد جامعه آموزش دهند چنان‌که در اجتماع چند صد هزار نفری نیشابور حدیث قدسی سلسله‌الذهب را به این منظور انشا کردند.

مراد از روش‌های عاطفی روش‌هایی است که مبلغ می‌خواهد با کاربرست آن‌ها از عواطف گرایش‌های روحی و روانی افراد برای هدایت افراد و رشد مطلوب‌شان استفاده کند. امام(ع)

با استفاده از این روش‌ها توانست به تبلیغ آیین اسلام و هدایت افراد بپردازد که مهم‌ترین آن‌ها در سیره تبلیغی امام^(ع)، محبت و مهرورزی، تکریم شخصیت، موعظه، مخاطب‌شناسی و فرصت‌شناسی است.

روش‌های رفتاری، روش‌هایی است که مبلغ می‌خواهد با استفاده از این روش‌ها، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در مخاطب ایجاد و تثبیت کند. مهم‌ترین روش‌های تبلیغی رفتاری در سیره تبلیغی امام رضا^(ع) عبارت است از: ارائه الگو، خطابه و منبر، مجادله به احسن، امر به معروف و نهی از منکر، تقیه، پرسش و پاسخ، تبلیغ چهره به چهره، مکاتبه، سفر به مراکز علمی و تربیت شاگردان.

امام رضا^(ع) همانند سایر پیشوایان معصوم^(ع) برای ترویج و تبلیغ دین و پاسخ به سؤال‌ها و شبهات شاگردان و مبلغان بسیار زیادی تربیت کردند که در برخی از منابع تعداد آن‌ها را به ۳۱۸ نفر و در برخی دیگر ۸۱۳ نفر ذکر کرده‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۶۳)، *عیون اخبارالرضا(ع)*، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی طوس.
-(۱۳۸۸)، *التوحید*، ترجمه علی اکبر میرزایی، قم: علویون.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ابن شهر آشوب، محمدبن علی (۱۳۷۶ق)، *المناقب*، قم: انتشارات علامه.
- اردبیلی، محمدبن علی (۱۹۸۳م)، *جامع الرواة*، بیروت: اضاء.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷)، *سیره تبلیغی پیامبر اکرم(ص)*، تهران: مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۷ق)، *عوامل العلوم*، ج ۲۲، قم: مؤسسه امام مهدی(عج).
- برقی، احمدبن محمد (۱۳۴۲)، *رجال برقی*، تهران: دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *قرآن کریم از منظر امام رضا(ع)*، چاپ ششم، قم: اسراء.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب.
- زورق، محمدحسن (۱۳۹۰)، *مبانی تبلیغ*، تهران: سروش.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)، *منشور عقاید امامیه*، چاپ ششم، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سیدقطب، قطب بن ابراهیم شاذلی (بی تا)، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت و قاهره: دارالشروق للنشر و التوزیع.
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *الدررالنظیم فی مناقب الائمة الهامیم*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شریف القرشی، باقر (۱۳۸۲)، *پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا(ع)*، ترجمه سیدمحمد صالحی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۳)، *مجمع البحرين*، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۲۸ق)، *رجال طوسی*، تهران: مؤسسه نشر اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۶۲)، *زندگی سیاسی امام رضا(ع)*، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

- عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۳۹۷ق)، *اخبار و آثار امام رضا^ع*، تهران: کتابخانه صدر.
-(۱۳۹۱)، *مسند الامام الرضا^ع*، تهران: عطارد.
- قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبه‌الله (۱۴۰۹ق)، *الخرايج و الجرايج*، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- کشی، محمدبن عمر بن عبدالعزیز کشی (۱۳۸۲)، *رجال کشی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
- محبی، صغری (۱۳۸۸)، *نقش امام رضا^ع در احادیث شیعه*، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مدرسی، محمدتقی (۱۳۶۷)، *امامان و جنبش‌های مکتبی*، ترجمه حمیدرضا آذیر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مظهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *سیری در نهج‌البلاغه*، تهران: انتشارات صدرا.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، قم: مؤسسه آل‌البیت^ع.
-(۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
- مکارم‌شیرازی و همکاران (۱۳۷۳)، *تفسیر نمونه*، چاپ هفدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجف، محمد مهدی (۱۳۶۶)، *جامع الروات و اصحاب الامام الرضا^ع*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.